

هو الله - يا من استبشر ببشارات الله در این قرن اعظم...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (88) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء، جلد 1، صفحه 342

هو الله

یا من استبشر ببشارات الله در این قرن اعظم مبارک که آفتاب روشن قرون اولی و نیر منور قرون اخری است نفوسی از رقد هوی مبعوث شوند که چون شمع در انجمن عالم بنور استقامت بر افروزند و چون بحر بحبت جمال مبارک بخروشد و چون بنیان عظیم و چون سدی از زر حدید بعهد و میثاق الهی مستقیم و بایمان و پیمان ربانی مستدیم گردند و مقاومت و مداومت شدید بجنود نقض و نکث نمایند و کل را بثبوت و رسوخ بر امر الله دلالت فرمایند حصن حصین کلمه الله را لشکر پر شکوهند و مدینه امر الله را محافظ و مدافع بر مهاجمین انبوه از خدا میخوایم که آنجناب از اعظم این جنود رب ودود باشند و از اکبر حارس این بنیان عظیم حضرت معبود در هر عهد و عصر مظاهر مقدسه الهیه نه عهدی و پیمانی و نه ایمانی و میثاقی در عصر حضرت ابراهیم در حق اسحق برکت دعائی و در عصر موسوی یوشع بن نون را از لسان حضرت مختصر مدح و ثنائی و در ظهور عیسوی در حق شمعون بآنت الصخرة و علی هذه الصخرة ابنی کنیستی بیان مجملی و در طلوع شمس محمدی در غدیر خم من کنت مولاه فهذا علی مولاه عبارت مختصری و در این کور اعظم و دور اقوم ظهور حق و طلوع شمس حقیقت که بجمع شئون ممتاز از سائر اکوار و مشرق بر جمیع ادوار است در کتاب اقدس که مهیمن بر جمیع کتب و صحف و زبر است و کل آنچه در آن مذکور ناسخ جمیع صحائف و کتب حتی اوامر و احکام و اعلان و اظهار آن ناسخ جمیع اوامر غیر مطابق و احکام غیر متساوی مگر امری و حکمی که در آن کتاب مقدس الهی غیر مذکور در چنین کتاب مبین و زیور یقین بنص صریح من دون تأویل و تلویح بیان فرموده و بکتاب عهد باثر قلم اعلی تأکید و توضیح و تشریح نموده تا مقرر امر در این کور اعظم واضح و مبرهن گردد و محل توقف و نزاع و خلافتی از برای نفسی نماند و مقصد اصلی الهی و رضای حقیقی ربانی یعنی اتحاد من علی الأرض بر کلمه واحده حاصل گردد و جوهر توحید در حقائق نفوس ظاهر و لائح شود این عبد خود را در جمیع شئون محو و فانی مشاهده میکند و ایامش قلیل است و عنقریب رجوع بعثبه مقدسه مالک الوجود نماید مقصدی جز حفظ وحدت امر الله و اتحاد احباء الله نداشته و ندارم ملاحظه شود که حضرت اعلی روحی له الفداء جمیع بلایا را در سبیل این امر تحمل فرمود و نهایت بآن مظلومیت هدف صد هزار تیر گشت و جناب قدوس و جناب باب و جناب وحید و جناب ملا محمد علی و حضرت خال و جناب سلطان الشهداء و محبوب الشهداء و ده بیست هزار نفوس مقدسه از صغیر و کبیر و رجال و نساء دماء مطهرشان در این سبیل ریخته شد و جمال اعظم روحی لتراتب اقدام احبائه فدا این همه صدمه و بلائیه متتابعه و سلاسل و اغلال را تحمل



ORIGINAL

فرمودند و بکرات و مرات اذیت‌های شدید بر وجود مبارک وارد گشت و آثار سم در دو طرف جسم مبارک همیشه ظاهر بود و این مدت مدیده را در جمیع اوقات در حبس و زندان و نفی و سرگون بسر بردند و عاقبت محبوس و مسجون و محکوم صعود بملکوت تقدیس فرمودند و همیشه ناله و فریاد مبارک این بود که من بجهت اتحاد من علی الارض خود را فدا نمودم ای احبا بکوشید که آثار اختلاف را از روی زمین زائل نمائید و انوار اتحاد را بین عباد ساطع و لائح کنید حال بعوض آنکه کل متحدا متفقا بذیل اتحاد متشبث و بعروه اتفاق متمسک و متحدا و متفقا و فاء بعنایات جمال مبارک و اسم اعظم بر اتحاد من علی الارض قیام نمایند از بعضی گوشه و کنار سرا و باطنا در کمال احتیاط نفحات غیر مرضیه میوزد که سبب اختلاف عظیم در نفس امر مبارک میشود نعوذ بالله من ذلک باری این عبد قسم بجمال مبارک خود را وجودی مشاهده نمی نمایم و در ساحت احبای مخلصین فانی میبینم و ابدا ادعائی نداشته و ندارم و تا بحال اظهار کلمه که دلالت بر انتساب آستان مبارک باشد نمودم ولی اینقدر التماس از احبای الهی دارم که سبب اختلاف در این امر که جوهر تقدیس است نگردند و اسرار و رموز و اشارات سریه را روا ندانند امر الله ظاهر و مشهود است الحمد لله در این کور اعظم امر مصرح و مشروح غیر مستور و مرموز نه مراتب شریعت و طریقت حقیقت و نه مظاهر ظاهر و مظاهر باطن از بیزگیهای متصوفه موجود بل کل این مسائل بصریح آیات الله مذموم و مردود باری حال باید ما بشکرانه الطاف و عنایات الهیه جمیع این اذکار و اقوال را فراموش نموده کل متفقا متحدا باعلاء کلمة الله بکوشیم و در نشر نفحات الله سعی بلیغ نمائیم حال آنجناب الحمد لله بشرف لقا فائز و از تفصیل مطلع و برضای رحمن واقف هر نفسی را که ملاحظه نمائید که نفعه‌ئی از روائح غیر مرضیه در مشامش تأثیر نموده نصیحت فرمائید که متنبه و بیدار گردد و از غیر رضای جمال مبارک بیزار شود و الباء علیک (ع)